

---

## تبیین جامعه‌شناختی نقش نهادهای مدنی در مشارکت اجتماعی شهر تهران سال ۱۳۹۵

---

حسین بشیری گیوی<sup>۱</sup>، دکتر مهرداد نوابخش<sup>۲</sup>، دکتر سروش فتاحی<sup>۳</sup>

### چکیده

امنیت این تحقیق با عنوان تبیین جامعه‌شناختی نقش نهادهای مدنی در مشارکت اجتماعی شهر تهران سال ۱۳۹۵ به روش پیمایش و با ابزار پرسشنامه انجام شد. امروزه به دلیل گستردگی و پیچیدگی مسائل شهری و همچنین کسب تجارب گوناگون در زمینه شرایط تحقق پروژه‌ها و برنامه‌های شهری، جلب مشارکت‌های مردمی در راستای دستیابی به اهداف مطلوب جوامع محلی، از ملزومات مدیریت شهر است. از سویی، تجربه نشان داده که تحقق امر مشارکت در معنای واقعی آن مستلزم نهادینه شدن و پایداری مشارکت است. امری که با شکل‌گیری طیف تشکلهای و نهادهای جامعه متقارن است. به بیان دیگر، گسترش و تعمیق مشارکت‌های مردمی نیازمند سازمان‌دهی، نهادسازی و ایجاد شرایط ساختاری مناسب است. فرضیه مشارکت اجتماعی با نهادهای مدنی رابطه معنی‌داری مشاهده شد. در آزمون رگرسیون ضریب تعیین تعدیل‌شده بیش از ۵۰ درصد به پیش بینی دموکراسی محلی با متغیر مستقل نهادهای مدنی پرداخت.

واژه‌های کلیدی: نهادهای مدنی، مشارکت اجتماعی، شهر تهران

---

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران.

<sup>۲</sup> استاد گروه جامعه‌شناسی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

<sup>۳</sup> دانشیار گروه جامعه‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، واحد تهران غرب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران fathi.soroush@gmail.com

## مقدمه

دموکراسی محلی، روش دستیابی به اهدافی است که برای یک سازمان، شهر و یک کشور در نظر گرفته می‌شود و وظایفی است که بر عهده رهبران یا شورای رهبری گذارده می‌شود. دموکراسی محلی به معنای برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی، نظارت و انگیزش است (سعید نیا، ۱۳۷۹: ۲۰). بنابراین هر فعالیت اجتماعی بدون مدیریت سازمان‌یافته که اهداف و ابزار رسیدن به آن را مشخص کند و فعالیت‌ها را هماهنگ سازد از هم‌پاشیده و به بی‌نظمی می‌گراید. شهر نیز که پیچیده‌ترین و متنوع‌ترین جلوه‌های بشری را در خود دارد بدون وجود نظام مدیریت شهری بی‌سامان می‌گردد. دموکراسی محلی باید برای شهر برنامه‌ریزی‌هایی را به انجام برساند، فعالیت‌های شهری را سازمان دهد و بر فعالیت‌های انجام‌شده نظارت کند و حتی برای انجام بهینه امور، انگیزش ایجاد نماید. (همان: ۲۳).

به‌ویژه آنکه امروزه با توسعه شهرها، مسائل بسیاری در آن‌ها وجود دارد که برای حل آن‌ها و پاسخ به درخواست‌های موجود در عرصه‌های زندگی جمعی، وجود رهبری و شورای رهبری ضروری است. (صرافی و دیگران، ۱۳۷۹: ۷۰-۸۱) و شامل کارکردهای برنامه‌ریزی، اجرا، نظارت، کنترل و هدایت است که برای اعمال قدرت باید برآمده از اراده شهروندان و قراردادهای اجتماعی باشد. ویلیامز نیز رهبری جامعه را یک تئوری و چشم‌انداز نمی‌داند، بلکه آن‌ها چارچوب و پایه و اساس مطالعات شهر و جامعه می‌داند. او اضافه می‌کند که مدیریت شهری ارتباط قوی با ماهیت شهر از یک‌طرف و ساختارهای اجتماعی و اقتصادی از طرف دیگر دارد، همچنین با سازمان‌های دولتی که در شهر خدمات ارائه می‌دهند و مردم شهر ارتباط تنگاتنگی دارد. (کاظمیان، ۱۳۹۰)

در مجموع می‌توان گفت «رهبری و اعمال قدرت در جامعه عبارت است از اداره سازمانی غیردولتی که برای برآورده کردن نیازهای مشترک شهروندان در سطح شهر و جامعه از طرف آن‌ها و مطابق با قانون تأسیس می‌گردد و در محدوده فعالیت خود استقلال سازمانی دارد (سعی دنیا، ۱۳۸۱: ۲۶-۲۷). مهم‌ترین هدف آن نیز ارتقای شرایط کار و زندگی جمعیت ساکن در قالب اقشار و گروه‌های مختلف اجتماعی و اقتصادی و حفاظت از حقوق شهروندان، تشویق به توسعه اقتصادی و اجتماعی پایدار و حفاظت از محیط کالبدی است (سعی دنیا، ۱۳۷۹: ۴۶)

مشارکت اساس زندگی اجتماعی است و امنیت از ضروری‌ترین نیازهای جامعه بشری محسوب می‌شود. این نیاز از زمانی که بشر قدم به عرصه نهاد، پدید آمده است. به اعتقاد

دانشمندان علوم انسانی، به‌ویژه کسانی که در مورد نیازهای انسان‌ها نظریه ارائه کرده اند مثل مازلو<sup>۱</sup>، انسان‌ها بعد از نیازهای زیستی، نیاز به امنیت<sup>۲</sup> دارند. یعنی دومین نیاز انسان نیاز به امنیت است. بعد از نیاز به امنیت هر انسانی نیاز به محبت و تعلق به دیگران دارد، نیاز به عضویت در گروه. چهارمین نیاز انسان نیاز به احترام، ارزش داشتن و حرمت داشتن و در نهایت نیاز به خویشتن یابی و تحقق خویشتن. در این شرایط است که همدلی و مشارکت در جامعه بوجود می‌آید. بنابراین برای توسعه مشارکت اجتماعی باید امنیت اجتماعی به عنوان زمینه آن به وجود آید. اهمیت این نیاز در حدی است که برای حفظ تعادل در جامعه یک امر واجب است. اگر مسئولین امنیت در جامعه، به دلایلی نتوانند امنیت جامعه را برقرار نمایند، خود مردم امنیت را برقرار می‌کنند. در برقراری این تعادل، گاه مؤسسات و نهادهای مسئول سهم بیشتری دارند و گاه خود مردم هم مسئولیت خودشان را به عهده می‌گیرند و این، توکد مشارکت های اجتماعی است. ناامنی موجب کاهش بهداشت روانی است و امنیت در جامعه در گسترش بهداشت روانی جامعه نقش اساسی دارد.

در فرایند افزایش بهداشت روانی در جامعه، یاریگریهای بین مردم افزایش می‌یابد، نزاع‌ها کاهش می‌یابد، اعتقاد به قانون و عمل به قانون فراگیر می‌شود، مردم بین منافع فردی و منافع جامعه تعادل برقرار می‌کنند و سعی دارند که به منافع جامعه اولویت دهند. در نتیجه وحدت و همدلی در جامعه بوجود می‌آید. شاید بتوان گفت که فرایند حرکت از امنیت به مشارکت از طریق همدلی می‌گذرد و فرایند مشارکت همدلی با کیفیت جدیدی بروز می‌کند که عامل توسعه جامعه است. آنچه به نظر مهم می‌آید آن است که امنیت اجتماعی می‌تواند به مثابه امنیت فردی و ملی تقویت شود. به عبارتی امنیت جامعه و اجتماع که در کل، تمام افراد حاضر در یک جامعه را شامل می‌شود، می‌تواند از امنیت فردی و انسانی نشأت بگیرد. امنیت انسانی شامل یک سری نیازهایی است که باید برای انسان محقق شود و این نیازها را می‌توان در دو بعد کمی و کیفی تقسیم بندی کرد؛ بعد کمی شامل ارضای نیازهای مادی می‌شود. بنابراین تحقق امنیت انسانی، مستلزم ارضای این نیازهای مادی در سطح بشریت هستند، بعد کیفی امنیت انسانی به شخصیت انسانی او مربوط می‌شود که شامل استقلال فردی، حق تعیین سرنوشت و مشارکت آزاد در زندگی اجتماعی است (توماس ۱۳۸۲، ۲۶).

---

۲- Mazlow

۳-security

در هر روی دموکراسی محلی با تمامی ابعاد و ساختارها و سازمان های خصوصی و دولتی در ارتباط است و تعامل متقابل در بین آنها وجود دارد دغدغه و پرسش آغازین این مطالعه عبارت است از: ابعاد و مولفه های مشارکت اجتماعی کدامند؟ نهادهای مدنی در شکلگیری مشارکت اجتماعی چه نقشی دارند؟

### ملاحظات نظری

نقش NGOs در نظریات توسعه را می توان در قالب ۶ نظریه طبقه بندی کرد. ۱. نظریه‌ی نوسازی یا مدرنیزاسیون (نویسنده‌ی اصلی: روستو، ۱۹۶۰)، ۲. نظریه‌ی وابستگی (نویسنده‌ی اصلی: آندره گوندرفرانک، ۱۹۶۹)، ۳. نهادگرایی (نویسنده‌ی اصلی: پرت، ۱۹۹۳)، نئولیبرالیسم (نویسنده‌ی اصلی: ساش، ۲۰۰۴)، توسعه‌ی جایگزین (نویسنده‌ی اصلی: کلارک، ۱۹۹۹)، و مابعدتوسعه (نویسنده‌ی اصلی: اسکوبار، ۱۹۹۵). در نظریات نوسازی یا مدرنیزاسیون ایده‌ی اصلی توسعه بر این محور قرار دارد که جوامع سنتی از طریق انتقال از وضعیت پیش‌سرمایه‌داری به سرمایه‌داری مدرن، رشد و تغییر می‌یابند. جوامع سنتی باید خیز رهایی از محدودیت‌های سنتی و فرهنگی-اجتماعی را انجام دهند. اساس این نظریه بر تفکر رخنه به پایین قرار دارد که با کمک به سرمایه‌داران، منافع رشد در بین فقرا توزیع می‌شود. در این نظریات عملاً NGOs نقشی بسیار کم‌رنگ دارند. توسعه‌ی مورد نظر این رویکرد بالا به پایین و خطی می‌باشد در نظریه‌ی وابستگی توسعه‌نیافتگی حاصل وضعیت مداومی از سرسپردگی جهان سوم (کشورهای پیرامونی) پس از استعمار توسط دولت‌های غربی به عنوان مرکز/هسته‌ی جهانی می‌باشد. در این نظریات کشورهای پیرامونی در یک چرخه‌ی باطل توسعه‌نیافتگی دور می‌زنند و عملاً زنجیره‌ای استعماری به صورت اقمار-مرکز بین کشورهای پیرامون و مرکزی برقرار شده است. در این نظریات NGOs نقش کمتری دارند لیکن جنبش‌های اجتماعی ضداستثماری به عنوان نیروی مثبت برای رهایی و تغییرات تکاملی در این کشورها دیده شده‌اند در رویکرد نهادگرایی ۱ فقط از طریق بهبود ارتباطات ساختاری و انگیزه‌های اقتصادی است که وضعیت بهینه برای توسعه کسب خواهد شد. در واقع در این نظریه اهمیت و نقش نهادهایی نظیر، چهارچوب‌های قانونی و نهاد قانون‌گذار در طی دهه‌ی ۱۹۸۰ در اقتصاد و سیاست‌های توسعه دوباره احیاء شد. اما اقتصاددانان نهادگرای جدید این موضوع را به چالش کشیدند که برخی از نهادگرایان فرض‌های ساده‌ای را مطرح می‌کنند با این

مضمون که بازارهای رقابتی می‌توانند در جوامع جهان سومی یا کشورهای مابعد سوسیالیستی ایجاد شوند در حالی که این کشورها فاقد زیرساخت‌های نهادی هستند که بتوانند اعتماد و ثبات را ارتقاء دهند. در این رویکرد NGOsها به عنوان یکی از بخش‌های نهادی اصلی دیده شدند، به طوری که با وضع قوانین درست، و انگیزه‌های لازم، و بهبود شرایط و زمینه‌ها، NGOsها می‌توانند مزیت‌های رقابتی بیشتری نسبت به دو بخش دیگر در ارائه‌ی خدمات داشته باشند (لوئیس و کانجی، ۲۰۰۹).

در رویکرد نئولیبرالیسم هدف اصلی ایجاد بازار جهانی برای فقرا می‌باشد: مکانیسم بازار اساس بازگشایی و ورود کشورهای در حال توسعه به توسعه‌ی اقتصادی است. اساس سیاست‌های نئولیبرالی بر سیاست‌های تعدیل ساختاری مبتنی است که صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی برای کشورهای فقیر تدوین نموده‌اند. این دو نهاد برای ارائه‌ی وام به کشورهای جهان سومی آن‌ها را مجبور کرده‌اند که بازارهای خود را به روی رقابت‌های جهانی باز کنند و هزینه‌های خدمات عمومی خود را کاهش دهند. این سیاست‌ها با تاکید بر اصلاحات بازار و کاهش نقش دولت اجرا می‌شد. در این رویکرد، NGOsها عواملی انعطاف‌پذیر از دموکراتیزه‌شدن و خصوصی‌سازی دیده شده‌اند که می‌توانند خدمات باصرفه‌ی اقتصادی-اجتماعی را به گروه‌های هدف ارائه دهند. در رویکرد توسعه‌ی جایگزین، دیدگاه‌های توسعه‌ی مردمی-محلی، برابری جنسیتی، توانمندسازی و مشارکت پایین به بالا کلید اصلی فرایند توسعه‌ی پایدار و برابر است. در رویکرد توسعه‌ی جایگزین، توسعه‌ی مردم-محور مبنای قرار می‌گیرد. در واقع رویکرد پُست‌مدرنیسم در این قالب قرار می‌گیرد، به طوری که در دیدگاه پُست‌مدرن‌ها وزن اصلی به ایده‌هایی می‌دهند که راه‌حل‌های کلی و پاسخ‌های آماده برای مسائل انسانی از پیش وجود ندارد و راهبردها به جای پاسخ‌های آماده اصل می‌باشند راهبردهایی که متکی بر دانش بومی، راه‌حل‌های مردم محلی بر اساس نیازها، امکانات، توانمندی‌ها آن‌هاست. تئوری توانمندسازی به عنوان یکی از شاخه‌های توسعه‌ی جایگزین تلاش کرد نظریه را با عمل پیوند دهد، و رویکرد نوسازی رخنه به پایین را به چالش کشید و نیز به طور موثری در ارتباط بین قدرت و نابرابری مشارکت نمود. نقش NGOsها در این رویکرد بسیار مهم تلقی شده به طوری که NGOsها کنش‌گران مهم شرایط نزدیکی به مردمان فقیر

می‌باشند. NGOs در این رویکرد توانائی پیوند اعمال محلی به فرایندهای ملی و تغییرات ساختاری را دارند (همان).

در رویکرد مابعد توسعه نیز این طور فرض شده است که اندیشه‌ی توسعه خودش یک تحمیل غیرآرزومند غربی به بقیه‌ی جهان بوده است و باید کنار گذاشته شود. در این رویکرد بحث اصلی این است که توسعه مسائل فقر و نابرابری جهانی نبوده است، اما این گفتمان کنترل‌شده و بشدت محدودکننده است که کشورهای ثروتمندتر با استفاده از ایده‌ی توسعه، قدرت خود را بر کشورهای فقیرتر اعمال می‌نماید. این دیدگاه براساس گفتمان قدرت فوکو قرار دارد، این رویکرد نشان می‌دهد که توانمندسازی صورت گرفته توسط متخصصان بیرونی (کشورهای ثروتمند) به جای رهایی این مردمان می‌تواند همانند وسیله‌ای جهت ایجاد نظم بر مردمان فقیر و پنهان کردن روابط قدرت ساختاری باشد و مشکلات سیاسی را به سئوالات و مباحث فنی-مدیریتی تقلیل دهد. در این رویکرد NGOsها عامل مدرنیزاسیون هستند و تخریب‌کننده‌ی اقتصاد و فرهنگ محلی؛ تنها جنبش‌های اجتماعی محلی متشکل از مکان‌های مفیدی از مقاومت برای این فرایندها هستند. NGOsها به مثابه اسب تخریب‌گری هستند که ارزش‌های سرمایه‌داری غربی و هنجارهای معامله‌ی متقابل متفاوت را به اجتماعات سنتی انتقال می‌دهند، حتی زمانی که این سازمان‌ها ادعای دفاع از فرهنگ بومی را دارند (همان).

به تبع مطرح‌شدن نقش و اهمیت مشارکت مردم در توسعه، سازمان‌های غیردولتی به عنوان یکی از ستون‌های مشارکتی جامعه‌ی مدنی مطرح شده‌اند. سازمان‌های غیردولتی در فضایی خارج از حاکمیت تشکیل شده و عدم وابستگی این سازمان‌ها به دولت و حکومت‌ها باعث شده است که بتوانند واسطه‌های مهمی بین حاکمیت و مردم باشند از یک طرف می‌توانند تقاضاها و نیازهای مردم را به حاکمیت انتقال دهند و ظرفیت همکاری مردمی را در راستای توسعه‌ی کشور بسیج نمایند، از سوی دیگر می‌توانند نقش مهمی در توزیع منابع دولتی و خدمت‌رسانی و نظارت بر کارکردهای دولتی داشته باشند. این سازمان‌ها با دغدغه‌ی حل مسائل اجتماعی بوجود می‌آیند و عمده‌ی فعالیت آن‌ها براساس عضوگیری و کارهای داوطلبانه است، در کنار آن اقدامات چنین سازمان‌هایی شفاف و علنی است. سازمان‌های غیردولتی با گستره‌ی فعالیت محلی، ملی و بین‌المللی با رسالت خود بر اطلاع‌رسانی و آگاهی‌سازی عمومی، جلب مشارکت مردمی، بسج منابع مادی مردمی، گسترش نظارت عمومی و توانمندسازی محلی با افزایش بهره‌وری در استفاده از منابع قرار می‌دهند. عمدتاً نقش سازمان‌های غیردولتی تسهیل‌گری

است و در کنار این نقش اجرای برخی از پروژه‌ها و شراکت با بخش دولتی یا خصوصی در راستای اجرای پروژه‌های اجتماعی را نیز برعهده دارند. اگر از دیدگاه دور‌کیمی به این سازمان‌ها نگاه کنیم باید این سازمان‌ها را واسط بین مردم و دولت نامید که می‌توانند هنجارهای اخلاقی، ارزشی را به مردم منتقل کنند و نظم اجتماعی مبتنی بر اخلاق بر جامعه را حاکم نمایند. گسترش تفکر و سیاست‌های نئولیبرالیستی که بر خصوصی‌سازی اقتصادی و اجتماعی تاکید داشته، عملاً چندان به مسئولیت‌های اجتماعی بخش خصوصی در قبال محیط‌زیست، جوامع محلی توجه ندارد می‌توان سازمان‌های غیردولتی را بیش از پیش در ارائه‌ی خدمات به گروه‌های نیازمند و یکی از ابزارهای مردم برای جلوگیری از تشدید سیاست‌های خصوصی‌سازی افسارگسیخته‌ی نئولیبرالی بحساب آورد؛ بر همین مبنا مشارکت سازمان‌های غیرانتفاعی با مدیریت شهری و به ویژه شهرداری می‌تواند آثار مثبت زیادی به همراه داشته باشد. طبیعی است در کشورهای جهان سوم چنین سازمان‌هایی با مشکلات عدیده‌ای از ثبت تا فعالیت و عضوگیری و تهیه‌ی منابع برخوردارند؛ لیکن رویکرد توسعه‌ی جایگزین که دیدگاه‌های توسعه‌ی مردمی-محلی، برابری جنسیتی و توانمندسازی و مشارکت از پایین به بالا را مورد تاکید قرار داده است بهترین زمینه برای همکاری سازمان‌های غیردولتی با شهرداری است؛ چه این رویکرد بر مبنای نیازها و دارایی‌های محلی اقدام عملی سازمان‌های غیردولتی و شهرداری را یک زمینه‌ی تعاملی خواستار است و راه‌حل‌های مردمی را مبتنی بر دانش بومی، امکانات و توانمندی‌های آن‌ها می‌داند و سازمان‌های غیردولتی را به عنوان کنشگرانی تصور می‌کند که شرایط نزدیکی به مردمان فقیر دارد؛ همین نزدیکی به شرایط و مردم محلی نخستین گام در جهت شناخت صحیح مشکلات و استفاده از راه‌کارهای تعاملی است.

### روش تحقیق

در این مطالعه از روش‌های کمی (پیمایش) و کیفی استفاده شد. در روش کیفی، روش میدانی (مصاحبه عمیق) و اسنادی استفاده خواهد شد. اصولاً یکی از تفاوت‌های بنیادین علوم طبیعی و علوم انسانی، موضوعات مورد مطالعه آنهاست، این تفاوت بنیادین سبب می‌شود اندیشمندان و محققان علوم انسانی برای مطالعه و شناخت پدیده‌های اجتماعی و انسانی، در جستجوی روش‌های مطالعه مناسب و متناسب باشند. بویژه این امر زمانی که اطلاعات کمی در مورد پدیده مورد نظر وجود دارد ضرورت تام می‌یابد. روش‌های کمی تا حد بسیاری به شیوه علوم طبیعی (اثباتی) عمل می‌نماید و سعی در آزمون تئوری در متن را دارد که در این

تحقیق از روش کمی استفاده خواهد شد و به آزمون تئوری خواهیم پرداخت. همچنین در روش های کیفی بیشتر به دنبال کشف مسأله و در نهایت رسیدن به تئوری هستیم. روش های کیفی جزئیات دقیقی درباره پدیده هایی که به سختی با روش های کمی بررسی می شوند، به دست می دهد (ازکیا و ایمانی، ۱۳۸۹: ۳). بر این اساس با توجه به پدیده ای که در این مطالعه می خواهیم آن را بررسی کنیم یک پدیده اجتماعی، سیاسی و انسانی است و اطلاعات کمی در مورد موضوع در متن و در واقع از طبیعت مسأله مورد نظر داریم، و این امر ما را مجاب می کند تا با روش کیفی و تکنیک های آن به جمع آوری داده ها و اطلاعات و تدوین و تحلیل آن ها دست بزنیم.

در روش کمی با استفاده از پرسشنامه محقق ساخته آمار توصیفی نهادهای مدنی در تهران را مشخص می کنیم و همچنین به وسیله آمار استنباطی نوع رابطه و همبستگی نهادهای مدنی با دموکراسی محلی را مشخص و معین می کنیم. جامعه آماری شامل کلیه اعضای نهادهای مدنی شهر تهران اعم از زن و مرد می باشد. که در روش کمی و کیفی از شیوه نمونه گیری غیر احتمالی (قضاوتی و هدفمند) استفاده می شود.

### یافته ها

بین نهادهای مدنی و مشارکت اجتماعی رابطه معنی داری وجود دارد.

### آزمون پیرسون

مشارکت اجتماعی	نهادهای مدنی	
۰/۱۱۷	۱	همبستگی پیرسون
۰/۰۰۰	۰	Sig سطح معنی داری
۲۴۰	۲۴۰	جمع کل

با توجه به اینکه متغیر وابسته (مشارکت اجتماعی) و متغیر مستقل (نهادهای مدنی) هر دو فاصله ای - فاصله ای است از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شده است این آزمون در فاصله اطمینان ۹۹٪ سنجش شده است. سطح معنی داری برابر  $\text{Sig} = ۰/۰۰۰$  است که نشان دهنده رابطه معنی داری بین نهادهای مدنی و مشارکت اجتماعی می باشد و همچنین میزان همبستگی پیرسون برابر ۰/۱۱۷ است که نشان دهنده شدت رابطه ضعیف و مستقیم بین متغیرهاست. در نتیجه با توجه به اطلاعات جدول فرضیه  $H_0$  ابطال و فرضیه  $H_1$  تایید می شود.



به عبارتی نتایج آزمون نشان می دهد مشارکت اجتماعی از نهادهای مدنی متاثر است و با توجه به اطلاعات جدول هرچقدر میزان و میانگین مشارکت نهادهای مدنی بیشتر شود، میزان و میانگین مشارکت اجتماعی بیشتر خواهد شد.

آزمون رگرسیون

مدل	R	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	Error
		رگرسیون	رگرسیون	
۱	۰/۵۶۰	۰/۳۱۷	۰/۳۱۷	۱/۹۰۹۰

با توجه به اطلاعات جدول ضریب تعیین رگرسیون برابر  $R^2 = 0/317$  می باشد یعنی می توان با میزان  $0/317$  به پیش بینی و همچنین تبیین متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل پرداخت. به عبارتی  $50\%$  از تبیین (تأثیر متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته) توسط متغیرهای این پژوهش صورت گرفته و مابقی آن توسط متغیرهای و عوامل دیگر است.

جدول آنوا

مدل	Sum of Squares	df	Mean Square	F	Sig.
رگرسیون	۲۴/۱۶۶	۴	۴/۸۳۳	۳۲۶	۰/۰۳۴
جمع	۱۳۵۸/۰۳۰	۲۴۳		۱	

با توجه به جدول ANOVA میزان  $f$  برابر است با  $f = 1/326$  و با توجه به سطح معنی داری  $Sig = 0/034$  نشان دهنده رابطه معنی داری متغیرهاست.

Sig.	t	Standard Coefficient	Unstandardized Coefficients			Model
			Beta	Std. Error	B	
۰/۰۰۰	-۱/۲۹۸	-۰/۶۱۳	۰/۰۵۳	-۰/۶۹۸	مشارکت محله ای	
۰/۰۰۰	۰/۱۵۴	۰/۵۳۴	۰/۰۲۳	۰/۷۱۷	مشارکت مذهبی	
۰/۰۶۷	۰/۸۲۶	۰/۱۲۳	۰/۰۲۸	۰/۲۱۳	مشارکت در انجمن های	
۰/۰۸۲	-۱/۷۴۱	-۰/۱۳۶	۰/۰۵۳	-۰/۰۹۸	محیط زیست	
۰/۰۷۸	۰/۵۲۵	۰/۰۳۸	۰/۰۱۸	۰/۰۱۰	مشارکت در انجمن حمایت از	

زنان

## مشارکت در نهادهای

## مشارکتی

با توجه به اطلاعات جدول متغیرهای مشارکت فرهنگی، مشارکت اجتماعی رابطه معنی داری دارند و مشارکت در تصمیم گیری، مشارکت مدیریتی و مشارکت مشاوره ای رابطه معنی داری نداشتند.

## نتیجه گیری

با توجه به اهمیت مشارکت اجتماعی نهادهای مدنی به عنوان موضوع اصلی، می‌توان گفت "مشارکت اجتماعی، مشارکت افراد در گروه‌های خارج از خانواده و عرصه سیاسی و محیط کار (احزاب سیاسی، اتحادیه‌ها و گروه‌های فشار) است" (Helly, 2001: 2). اشکال اجتماعی (داوطلبانه را می‌توان به دو صورت زیر مورد مطالعه قرار داد:

الف- نهادی (رسمی) که در برگیرنده‌ی عضویت در سازمان‌ها، انجمن‌ها و کلوپ‌ها (باشگاه‌ها) با فعالیت برنامه‌ریزی شده در یک زمان و مکان مشخص است. در این میان مشارکت در سازمان‌های مردم نهاد از ویژگی خاصی برخوردار می‌باشد. در تجربیات جهانی برای نمونه USAID (آژانس توسعه بین‌المللی در آمریکا) بر مبنای تجزیه و تحلیل‌های گسترده انتظار دارد که با قدرت دادن به سازمان‌های مردم نهاد و حمایت از آن، نتایج ذیل را اکتساب نماید:

۱- هنگامی که سطح بالایی از روابط متقابل میان سازمان‌های مردم نهاد، دولت و شرکت‌های کوچک وجود داشته باشد، مناسب‌ترین جو برای کاهش فقر و اقدامی کارآمد در قبال دیگر اولویت‌های اجتماعی بوجود می‌آید، هر چند که جدا کردن علت و معلول در این فرآیند بسیار دشوار است.

۲- مطالعات انجام شده در مورد برنامه‌های تمرکززدایی در بسیاری از کشورها اثبات کرده است که حضور فعال سازمان‌های مردم نهاد عاملی کلیدی در تأثیرگذاری بر میزان منافی است که در اختیار شهروندان فقیر قرار می‌گیرد.

۳- تجربه بانک جهانی که بر گرفته از ارزیابی پروژه‌های مالی ۲۵ بانک در کشورهای مختلف می‌باشد، اثبات کننده رابطه‌ای قوی میان موفقیت پروژه و مشارکت سازمان‌های معمولی است.

۴- سازمان‌های مردم نهاد دارای توانایی‌های فنی و سوابق درخشان، می‌توانند روش‌های مفید و نتایج پروژه‌ها را فراهم سازند(سهراب زاده، ۱۳۸۷: ۲۷). بعلاوه نهادهای رسمی به عنوان ابزار اعمال و تداوم مشارکت شهروندان کارکردهای به شرح ذیل دارند:

اطلاع رسانی در مورد مسائل اجتماعی

مشارکت شهروندان در نظارت بر تصمیم‌گیری‌های شهرداری و شوراهای

ایجاد افزایش شفافیت در روابط میان تشکلات محلی

افزایش مشارکت گروه‌های حاشیه‌ای

تشویق و ترغیب شهروندان به حل مسائل شهر با مکانیسم سازمان‌های محله‌ای و...

افزایش اعتبار و اعتماد اجتماعی به شهروندان(کلاتریاک، ۱۳۷۹: ۳۶).

ب- مشارکت غیررسمی، که خود در برگیرنده‌ی دو نوع است

ب-۱- درگیری اتفاقی<sup>۱</sup> شامل مشارکت در فعالیت‌های گروهی با فواصل نامنظم، مثل

همکاری با خیریه‌هایی که در جهت کمک به محرومین و افراد خاص تشکیل می‌شود و

ب-۲- مشارکت پایدار<sup>۲</sup> که شامل مشارکت قاعده‌مند و فعالیت در گروه‌هایی است که به

صورت موسسه و سازمان نیستند ولی نسبتاً دائمی و همیشگی‌اند"(Helly, ۲۰۰۱: ۳-۴).

در بررسی تاریخچه‌ی مشارکت اجتماعی در دو بعد رسمی و غیررسمی می‌توان گفت در

ایران مشارکت غیررسمی از دیر باز وجود داشته است و با وجود دگرگونی‌ها و تحولاتی که

جامعه طی صد سال اخیر به خود دیده است، هنوز هم با قدرت در بسیاری از شهرهای این

کشور حیات دارد. عزاداری‌های مذهبی برگزار شده در ماه‌ها و ایام خاص و ساختن مسجد که

با مشارکت مردمی انجام می‌گیرد نمونه‌ای از این مشارکت‌هاست و در زمینه‌های مربوط به

گذران زندگی عادی و تامین خدمات، وضعیت جغرافیایی، ساختار اقتصادی و اجتماعی جامعه

سبب پیدایش فعالیت‌های شده که بر محور مشارکت مردم شکل گرفته است. کمک‌های متقابل

مردم در عروسی‌ها، جشن‌ها، عزاداری‌ها و آبیاری نمونه‌ای از این مشارکت‌ها در گردش امور به

شمار می‌روند (علوی تبار، ۱۳۷۹؛ پیران، ۱۳۷۴؛ رضایی، ۱۳۷۳؛ محسنی تبریزی، ۱۳۶۹).

یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد، میزان مشارکت رسمی در شهر تهران نسبتاً پایین می-

باشد. این یافته‌ها با نتایج پژوهش منوچهر محسنی با عنوان «بررسی آگاهی‌ها، نگرش‌ها و

رفتارهای اجتماعی فرهنگی در ایران» همخوانی دارد. بر مبنای این پژوهش میزان مشارکت در

<sup>۱</sup> Ad hoc

<sup>۲</sup> stable- regular participation

انجمن‌ها (علمی، فرهنگی، خیریه و ...) در میان پاسخگویان بسیار ضعیف است. که فقط ۸/۵ درصد با آن مشارکت داشته‌اند. اما در سایر شهرها این میزان برابر با ۱۱/۳ درصد است. مشارکت در تهران را، به جز در انجمن‌های ورزشی، نسبت به سایر شهرها پایین برآورد می‌کند. بعلاوه موسوی میزان مشارکت شهروندان را (با مشارکت در نهادها، خرید اوراق مشارکت، و مشارکت در ایام مذهبی) مورد ارزیابی قرار داده است. یافته‌ها حاکی از این است که تنها ۷ درصد مردم در نهادها و مؤسسات عضویت دارند. ۸۷/۱ درصد اوراق قرضه را خریداری نکرده‌اند. اکثریت، یعنی ۸۱/۲ درصد از پاسخگویان، در نهادهای مدنی مشارکت ندارند.

"در اینجا یاد آور می‌شویم که علی‌الاصول فرد به دو طریق با جامعه رابطه برقرار می‌کند. یکی از طریق ایجاد ارتباط با سایر کنش‌گران در جامعه و دیگری از طریق عضویت در گروه‌ها" (یزدان پناه، ۳۸۶: ۱۲۶). هرچند که با گسترده شدن روابط اجتماعی، سیاسی و اقتصادی شهر تهران بهتر است که مشارکت شهروندان در قالب رسمی با سازمان‌های مردم‌نهاد باشد، و "تقریباً در تمام کشورهای توسعه یافته، مشارکت در سازمان‌های غیر دولتی (سازمان‌های مردم‌نهاد) جایگاهی پر ارزش در نزد مردم دارند و ماهیت آن به گونه‌ای است که روز به روز نقش پررنگ‌تری در حیات اجتماعی و در برنامه‌ریزی این کشورها به خود اختصاص می‌دهند" (فکوهی، ۳۸۶: ۵۴۳)، اما مسئله‌ای اصلی این است که مشارکت شهروندان در هر دو شکل رسمی و غیررسمی، در شهر تهران از میزان کمی برخوردار است. البته همان‌گونه که یافته‌ها نشان می‌دهد میزان مشارکت رسمی خیلی کمتر از مشارکت غیررسمی است.

در فرضیه بین نهادهای مدنی و مشارکت اجتماعی رابطه معنی داری وجود دارد. نتایج آزمون نشان می‌دهد مشارکت اجتماعی از نهادهای مدنی متاثر است و با توجه به اطلاعات جدول هرچقدر میزان و میانگین مشارکت نهادهای مدنی بیشتر شود، میزان و میانگین مشارکت اجتماعی بیشتر خواهد شد.

با توجه به اطلاعات جدول ضریب تعیین رگرسیون برابر  $R^2 = 0/317$  می‌باشد یعنی می‌توان با میزان ۰/۳۱۷ به پیش‌بینی و همچنین تبیین متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل پرداخت. به عبارتی ۳۰ درصد از تبیین (تأثیر متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته) توسط متغیرهای این پژوهش صورت گرفته و مابقی آن توسط متغیرهای و عوامل دیگر است.

در نتیجه پایین بودن مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی هزینه‌های جبران ناپذیر اقتصادی، اجتماعی و سیاسی را می‌تواند بر دوش جامعه تحمیل کند. این هزینه‌ها می‌تواند به پایین بودن

کارایی خدمات ارائه شده نیز منجر شود. بنابراین در اینجا سطح قابل قبولی از مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی قابل توجه است. لذا با توجه به پایین بودن مشارکت اجتماعی نهادهای مدنی در تهران در شکل‌گیری دموکراسی محلی با مشکلات عدیده ای جامعه مواجه می‌شود و یکی از پیامدهای عدم مشارکت شهروندان در نهادهای مدنی بروز اختلال در سیستم می‌باشد.

### منابع

- اسلامی، حامد (۱۳۸۴)، جامعه مدنی در ایران امروز، نشریه دانش پژوهان، شماره ۹
- امام‌وردی، سلطان (۱۳۷۹)، بررسی مشکلات مدیریت شهری مورد مطالعه شهر تبریز، دانشگاه ملایر
- انوری، ابراهیم (۱۳۸۳)، مجموعه نکات و سوالات حقوق بین الملل عمومی، نشر نیکان
- آیین نامه تاسیس و فعالیت سازمان‌های غیر دولتی، ۱۳۸۴
- بابایی، علی‌رضا (۱۳۹۰)، مفهوم جامعه مدنی، روزنامه اعتماد، شماره ۲۳۱۶، مورخ ۱۳۹۰/۱۱/۸
- بحرینی، سید حسین (۱۳۷۶)، شهرسازی و توسعه پایدار، فصلنامه رهیافت، شماره ۱۸
- بشیریه، حسین (۱۳۷۴)، نقش نیروهای اجتماعی در زندگی سیاسی، تهران، نشر نی
- بشیریه، حسین (۱۳۸۲)، عقل در سیاست: سی و پنج گفتار در فلسفه، جامعه شناسی و توسعه سیاست، تهران، نگاه معاصر
- پرتال جامع علوم انسانی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
- ثابتی راد، عباس (۱۳۸۵)، آموزش های شهروندی، نشریه همشهری، ۱۳۸۵/۶/۲۵
- چاندووک، نیرا (۱۳۷۷)، جامعه مدنی و دولت، ترجمه فریدون فاطمی و وحید بزرگی، تهران، نشر مرکز
- خزاییلی پارسا، فاطمه (۱۳۸۳)، تاریخچه و ویژگی سازمان‌های غیردولتی، چاپ اول، تهران، سازمان بهزیستی
- دفتر مشارکت و بسیج مردمی (۱۳۷۷)، آشنایی با تشکل‌های زیست محیطی و منابع طبیعی ایران (جزوه)، تهران، وزارت جهاد سازندگی سابق
- دفتر مطالعات و تحقیقات سیاسی وزارت کشور (۱۳۸۰)، مجموعه مقالات نقش و جایگاه سازمانهای غیر دولتی در عرصه فعالیت‌های ملی و بین المللی
- دلوی محمدرضا و دیگران (۱۳۷۹)، مبانی سازمان و مدیریت، تهران، نشر سیمین
- دهستانی اسفندآبادی، حسین (۱۳۸۶)، همکاری دولت و سازمان‌های مردم نهاد در توسعه، نشریه فرهنگ و تعاون، شماره ۴۷، صص: ۱۰-۱۳
- رهنما، محمدرحیم (۱۳۹۲)، تبیین ساختاری-کارکردی مدیریت مشارکتی شهری، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، دوره ۴۵، شماره یک، صص: ۱۶۹-۱۸۴
- سازمان ملی جوانان (۱۳۸۲)، گزارش ملی جوانان (بررسی وضعیت تشکل‌های غیردولتی جوانان) تهران، اهل قلم سایت مرجع مدیریت شهری

- سعیدنیا، احمد (۱۳۷۹)، مدیریت شهری، تهران، سازمان شهرداری‌های کشور
- سعیدی، محمدرضا (۱۳۸۲)، مشارکت سازمان‌های غیر دولتی در برنامه‌های میان مدت توسعه ایران، نامه پژوهش فرهنگی، سال هفتم، شماره ۶.
- شرفی، مرجان و برک‌پور، ناصر (۱۳۸۹)، گونه شناسی تکنیک‌های مشارکت شهروندان در برنامه‌ریزی شهری بر مبنای سطوح مختلف، نامه معماری و شهرسازی، شماره ۴، دانشگاه هنر.
- شریف زاده، فتاح (۱۳۸۸) صدقی، جواد، عوامل مؤثر بر مشارکت شهروندان در اداره امور شهر، فصلنامه علمی ترویجی، شماره ۱۵.
- شهرداری تهران (۱۳۷۷)، گزارش کارگاه مشورتی مشارکت مردمی در ارزیابی فعالیت‌های شهرداری منطقه ۷ تهران.
- صرافی، مظفر و دیگران (۱۳۷۹): مفهوم، مبانی و چالش‌های مدیریت شهری، فصلنامه مدیریت شهری، شماره.
- عبدی دانشپور، زهره (۱۳۸۷)، درآمدی بر نظریه‌های برنامه‌ریزی با تأکید ویژه بر برنامه‌ریزی شهری، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- عظیمی (۱۳۷۷)، مجموعه مقالات جامعه مدنی و ایران امروز، تهران، نقش و نگار.
- علوی تبار (۱۳۷۷)، مجموعه مقالات جامعه مدنی و ایران امروز، تهران، نقش و نگار.
- عنبری، موسی (۱۳۸۵)، "دولت، مشارکت و سازمان‌های غیر دولتی، بررسی جایگاه و کارکردهای بخش سوم در توسعه"، نامه صادق، شماره ۳۰.
- غفاری، غلامرضا (۱۳۹۰)، مشارکت‌های مردمی و امور شهری، تهران، نشر جامعه و فرهنگ.
- فتحی سروش، مختارپور مهدی (۱۳۹۷) بررسی تاثیرگذاری پایگاه اجتماعی اقتصادی بر میزان مشارکت سیاسی (مورد مطالعه: دانشجویان واحد علوم و تحقیقات تهران) نشریه: بررسی مسایل اجتماعی ایران (نامه علوم اجتماعی) شماره: پاییز و زمستان ۱۳۹۷، دوره ۹، شماره ۲.
- فتحی سروش (۱۳۹۳) عوامل مؤثر بر مشارکت شهروندان در مدیریت و توسعه فضاهای شهری تهران نشریه: مطالعات جامعه شناختی شهری (مطالعات شهری) بهار ۱۳۹۳، دوره ۴، شماره ۱۰.
- فتحی سروش، فدوی جمیله (۱۳۹۰) بررسی وضعیت مشارکت اجتماعی شهروندان در نواحی منطقه ۵ شهر تهران نشریه: مطالعات مدیریت شهری پاییز ۱۳۹۰، دوره ۳، شماره ۷.
- فرامرز قراملکی، احد (۱۳۸۸)، اخلاق در سازمان‌های مردم نهاد، تهران، مرکز امور زنان و خانواده نهاد ریاست جمهوری.
- فرامرز قراملکی، احد (۱۳۸۷)، سازمان‌های اخلاقی در کسب و کار، تهران، مجنون، چاپ سوم.

- کاظمیان، غلامرضا (۱۳۹۰)، ارزیابی عملکرد مدیریت شهری در پایداری محله‌ای ناحیه ۲ شهرداری منطقه ۴ تهران، نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، جلد ۱۸، شماره ۲۱.
- کائوتری (۱۳۷۵)، مشارکت در توسعه، ترجمه هادی غیرایی و داود طباطبایی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

- کمالی، مسعود (۱۳۸۱)، دو انقلاب ایران، تهران، نشر دیگر.
- گلشن پژوه، محمودرضا (۱۳۸۱)، راهنمای سازمان‌های غیر دولتی، چاپ اول، تهران، ابرار.
- گیدنز، آنتونی، جامعه‌شناسی، تهران، نی، ۱۳۸۳.
- مرکز مطالعات حقوق بشر (۱۳۸۲)، حقوق بشر و چشم اندازها، دانشگاه تهران.
- میرباقری، سیدعلی (۱۳۹۴)، یادداشت اجتماعات مدنی، دولت اعتدال و مخالفان آن، روزنامه ایران، شماره

۵۹۹۶

- نجات حسینی، سیدمحمود (۱۳۸۱)، برنامه ریزی و مدیریت شهری، مسائل نظری و چالشهای تجربی، مرکز مطالعات برنامه ریزی شهری، انتشارات سازمان شهرداری های کشور.
- نوروزی، سجاد (۱۳۸۶)، مدیریت شهری چیست، سایت رسمی روزنامه همشهری، کد خبر: ۳۲۰۹۲
- یاراحمدی، امیر (۱۳۷۸) به سوی شهرسازی انسان گرا، تهران، شرکت پردازش و برنامه ریزی شهری

- Checkel, Jeffrey. (۲۰۰۱). Why Comply? Social Learning and European Identity Change. International Organization ۵۵, ۳ (September).
- Henin, Chris. (۱۹۹۲). Civil Society Officer, NGO Unit Latin America, International Economic Relations Division, Operations Policy Department, World Bank. Author interview. Washington, DC, June.
- Brass, Jennifer N. (۲۰۱۰). "NGOs in Kenya: Increase State Legitimacy or Undermine Popular Support?" Presented at the Workshop on Political Theory & Policy Analysis Colloquium Series. Indiana University.
- Hickey, Sam. (۲۰۰۲). Transnational NGDOs and Participatory forms of rights based development: Converging with the local politics of citizenship in Cameroon. Journal of International Development. Volume ۱۴.
- Nelson P (۲۰۰۲). New Agendas and New Patterns of International NGO Political Action. Volutes': Int. J. Volunt. Non-Profit Organ.
- Lewis, David; Kanji, nazneen (۲۰۰۹). Non-governmental organizations and development. London. Routledge.

- Cain, Charles A (۲۰۰۷). *When a Charity Gives No Tax Advantages* (Charity Law and Practice Review ۹(۳) pp۷۷- ۸۳).
- Kendall, Jeremy (۲۰۰۳). *The Voluntary Sector* (London: Routledge).
- Reichardt, Oliver; Kane, David; Pratten, Belinda & Wilding, Karl (۲۰۰۸). *The UK Civil Society Almanac ۲۰۰۸* (London: NCVO).
- Morgan, Gareth G (۲۰۰۰). Changes in UK Tax-Effective Giving: Implications for Donor Fundraising Strategies *International Journal of Nonprofit and Voluntary Sector Marketing* ۵(۱) pp۱۹-۳۱.
- Morgan, Gareth G (۲۰۰۲). Self-Regulation in the Voluntary Sector: An Investigation of Charity Independent Examiners in Proceedings of the NVCO Researching the Voluntary Sector Conference, University of Nottingham, September ۲۰۰۲.
- Sargeant, Adrian; West, Douglas C & Ford, John B (۲۰۰۴). *Does Perception Matter?: An Empirical Analysis of Donor Behaviour* (Service Industries Journal ۲۴).
- Shapely, Peter (۲۰۰۱), 'Urban Charity, Class Relations and Social Cohesion: Charitable Responses to the Cotton Famine', *Urban History*.
- Osteen, Mark (ed) (۲۰۰۲), *The Question of the Gift: Essays Across Disciplines*, London: Routledge.
- Cobb, N. K. (۲۰۰۲). The new philanthropy: Its impact on funding arts and culture. *Journal of Arts Management, Law & Society*, ۳۲(۲).
- Gallagher, B. A. (۲۰۰۴, June ۲۲). Charity oversight and reform: Keeping bad things from happening to good charities. Retrieved June ۲۷, ۲۰۰۴, from <http://national.unitedway.org/content/article.cfm?articleID=۸۴>.
- Diaz, W. A., Jalandoni, N. T., Hammill, K. C., & Koob, T. (۲۰۰۱). Facts & findings: Hispanic giving and volunteering. Washington, DC: Independent Sector.
- Hager, M., Rooney, P., & Pollak, T. (۲۰۰۲). How fundraising is carried out in US nonprofit organizations. *International Journal of Nonprofit & Voluntary Sector Marketing*, ۷(۴).
- Hager, M. A. (۲۰۰۴b, July ۲۳). Who raises contributions for America's nonprofit organizations? [Electronic version]. Retrieved September ۶, ۲۰۰۴, from [http://www.urban.org/UploadedPDF/۳۱۱۰۳۴\\_nonprofit\\_overhead۲..](http://www.urban.org/UploadedPDF/۳۱۱۰۳۴_nonprofit_overhead۲..)



- Jacobs, J. A. (۲۰۰۴). Corporate governance reform: What it means for associations. *Association Management*, ۵۶(۱), ۱۷.
- Kennedy, J. M., & Vargus, B. (۲۰۰۱). Challenges in survey research and their implications for philanthropic studies research. *Nonprofit and Voluntary Sector Quarterly*, ۳۰(۳).
- Lewis, D. and Madon, S. (۲۰۰۳) 'Information systems and non-governmental development organizations (NGOs): Advocacy, organizational learning and accountability in a Southern NGO'. *The Information Society* ۲۰,
- Kaplan, A. (۱۹۹۹) *The Developing of Capacity, Community Development Resource Association*, Cape Town.
- Rogers, P. J (۲۰۰۸) 'Using programme theory to evaluate complicated and complex aspects of interventions', *Evaluation*, vol ۱۴, no ۱.
- De vita. J. carol; Fleming, Cory (۲۰۰۱). *Building capacity in Nonprofit Organizations*. The Urban Institute. The Knight Foundation.
- LaFond, A. and Brown, L. (۲۰۰۳) *A Guide to Monitoring and Evaluation of Capacity Building: Interventions in the Health Sector in Developing Countries*, MEASURE Evaluation Manual Series, Carolina Population Center, UNC, Chapel Hill.
- Mac Abbey, E., (۲۰۰۸). *Constructive regulation of nongovernment organizations*. *The Quarterly Review of Economics and Finance*,
- UNDP, Counsel of Europe (۲۰۱۰). *Toolkit manual inter-municipal cooperation*. The United Nations Development Programme (UNDP) and the Local Government Initiative (LGI).
- Bungler Alicia C. (۲۰۱۲) *Administrative Coordination in Nonprofit Human Service Delivery Networks: The Role of Competition and Trust*. "Nonprofit and Voluntary Sector quarterly" (online publication).
- Sowa Jessica E. (۲۰۰۹) *The Collaboration Decision in Nonprofit Organizations: Views from the Front Line*. „Nonprofit and Voluntary Sector Quarterly”, vol. ۳۸.
- Tsis Peter (۲۰۰۹) *The Social Processes of Interorganizational Collaboration and Conflict in Nonprofit Organizations*. „Nonprofit Management & Leadership”, vol. ۲۰(۱).

- Foster Mary K., Meinhard Agnes G. (۲۰۰۲) A Regression Model Explaining Predisposition to Collaborate. "Nonprofit and Voluntary Sector Quarterly", vol. ۳۱.

### **Abstract**

This research titled "Sociological Explanation of the Role of Civil Institutions in Social Participation in Tehran in ۱۳۹۵

"And by survey method using a questionnaire tool. Nowadays, due to the wide and complexity of urban issues as well as the acquisition of various experiences in terms of realization of urban projects and programs, attracting popular contributions in order to achieve the desired goals of local communities, On the one hand, experience has shown that the realization of participation in its true sense requires institutionalization and sustainability of participation, which is symmetrical with the formation of the spectrum of associations and institutions of society, in other words, the expansion and Deepening of popular participation requires organizing, institutionalizing and creating appropriate structural conditions. Social participation

**Key words:** civil institutions, social